

Investigation of the Possibility of Using Derivative Contracts in Financial Markets from a Jurisprudential and Legal Point of View

Soghra Chehrenejhad¹, Davood Andarz^{2*}, Alireza Lotfi³

1. PhD student in Private Law, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

2. Assistant Professor Department of Law, Dama and Vand Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor Department of Law, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 145-166

Article history:

Received: 1 Jul 2022

Edition: 12 Jul 2022

Accepted: 28 Nov 2022

Published online: 10 Jan 2023

Keywords:

Derivative Contracts, Financial Market, Option, Futures, Dealing in Futures

Corresponding Author:

Davood Andarz

Address:

Department of Law, Dama and Vand Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Orchid Code:

0000-0002-8654-6674

Tel:

02176301225

Email:

davood.andarz@gmail.com

ABSTRACT

Background & Objective: Derivative contracts are essential for the prosperity of the stock market and the dynamism of the country's economy. Although the jurisprudential and legal concept and nature of these contracts in financial markets is a matter of debate, and in this paper, it is attempted to address this important issue.

Materials & Methods: The present paper is descriptive-analytical and the library method is used.

Ethical considerations: In this paper, the originality of the texts, honesty and trustworthiness have been observed.

Findings: The most important drawback of derivative contracts of option, futures contracts and forward contracts in financial markets is these transactions being aleatory or speculation. Uncertainty of the object of transaction and ignorance of its characteristics from a jurisprudential and legal point of view and also the high risk of the transaction question the legitimacy of the transactions and contracts. Because according to Iranian jurisprudence and law, it is necessary for the object of transaction to be transparent and clear, or at least for the general situation to be clear and specific.

Conclusion: It is possible to use derivative contracts in financial markets from a jurisprudential and legal point of view because risk and uncertainty cannot be separated from financial markets and economy. Derivatives contracts were created to control and reduce risk in financial markets and to bring transaction risk to a reasonably level that is accepted by custom. In this case, the mentioned transactions are not aleatory and are unrestricted from a jurisprudential and legal point of view.

Cite this article as:

Chehrenejhad S, Andarz D, Lotfi A. Investigation of the Possibility of Using Derivative Contracts in Financial Markets from a Jurisprudential and Legal Point of View. *Economic Jurisprudence Studies*. 2022; 4(4):145-166.

فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره چهارم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۱

بررسی امکان به کارگیری قراردادهای مشتقه در بازارهای مالی از منظر فقهی و حقوقی

صغری چهره نژاد^۱، داود اندرز^{۲*}، علیرضا لطفی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق، واحد دماوند، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: قراردادهای مشتقه برای رونق بازار بورس و پویایی اقتصاد کشور ضروری است. با این حال مفهوم و ماهیت فقهی و حقوقی این قراردادها در بازارهای مالی محل بحث و نظر است و در این مقاله تلاش شده به این مهم پرداخته شود.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی تحلیلی بوده و برای جمع‌آوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: مهم‌ترین ایراد و اشکال وارده به قراردادهای مشتقه در بازارهای مالی، غرری بودن. معلوم نبودن مورد معامله و جهل نسبت به مشخصات آن و پرریسک بودن معامله، مشروعیت معاملات و قراردادهای مشتقه را زیر سؤال می‌برد. زیرا بر اساس فقه و حقوق ایران لازم است مورد معامله شفاف و مشخص بوده یا حداقل وضعیت کلی آن روشن و مشخص باشد.

نتیجه‌گیری: امکان به کارگیری قراردادهای مشتقه در بازارهای مالی از منظر فقهی و حقوقی وجود دارد زیرا ریسک و عدم اطمینان را نمی‌توان از بازارهای مالی و اقتصاد جدا کرد. قراردادهای مورد اشاره ایجاد شدند تا ریسک در بازارهای مالی را کنترل و کاهش داده و آن معاملات را به سطح معقولی برسانند که مورد پذیرش عرف است. در این صورت معاملات مذکور غرری نبوده و از منظر فقهی و حقوقی بلامانع است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۴۵-۱۶۶

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۴/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰

واژگان کلیدی:

قراردادهای مشتقه، بازار مالی، اختیار معامله، معاملات آتی، معاملات سلف

نویسنده مسوول:

داود اندرز

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دماوند، گروه حقوق.

تلفن:

۰۲۱۷۶۳۰۱۲۲۵

کد ارکید:

0000-0002-8654-6674

پست الکترونیک:

davood.andarz@gmail.com

۱. مقدمه

در بازارهای مالی، ابزارهای مشتقه توسط شرکت کنندگان در بازار جهت معامله کردن و مدیریت آسان تر ریسک و سرمایه های وابسته به آن به وجود آمده اند. خصوصیات مشترک آن ها این است که ارزش خود را از دارایی دیگری که به آن دارایی پایه می گویند مانند سهام، کالاها، ارزها، شاخص ها، وام ها و غیره، گرفته یا ارزش آن ها به رویدادهای خاصی نظیر نرخ های بهره، مرتبط است. ضرورت به کارگیری قراردادهای در حقوق داخلی از آنجا ناشی می شود که امروزه در بازارهای معتبر سرمایه در دنیا، ابزارهای مدیریت ریسک به خصوص قرارداد آتی و اختیار معامله از اهمیت به سزایی برخوردار هستند و به طور گسترده مورد استفاده قرار می گیرند. آگاهی از این گونه قراردادهای و به کارگیری آن ها در بازار سرمایه ایران به بازیگران این بازار امکان کنترل بهتر سرمایه گذاری خود و کاهش ریسک اطمینان داده و آرامش خاطر بالاتر فعالیت در این بازار را به دنبال خواهد داشت. از طرفی این ابزارها به دلایل مختلف از جمله ابهامات فقهی و حقوقی در بازار ایران به صورت جدی به کار گرفته نشده اند و قانون مدنی نیز نسبت به این قراردادهای سخنی به میان نیاورده و حکم صریحی در این خصوص ندارد. بنابراین، چگونگی وضعیت فقهی و حقوقی قراردادهای مشتقه، نقطه مجهولی را در اذهان ایجاد می نماید. در مواردی علاوه بر اشکالات فقهی، از حیث حقوقی نیز مباحث مختلفی در خصوص صحت یا بطلان آن ها مطرح گردد؛ چراکه بر اساس اصل چهارم قانون اساسی

انطباق کلیه مقررات با قواعد فقهی ضرورت دارد. به عبارتی هر ابزاری هر قدر هم مفید باید بتواند در یک نظام مالی منطبق با دستورات اسلامی مورد استفاده قرار گیرد تا مشروعیت و اعتبار آن مورد خدشه قرار نگیرد، لذا روشن شدن بررسی امکان به کارگیری قراردادهای مشتقه در بازارهای مالی از منظر فقهی و حقوقی و تعامل سیستم های حقوقی با مفاهیم نوپیدا و به تبع آن دانش حقوق که رسالت قانونمند کردن فعالیت های فردی و گروهی را در جامعه به عهده دارد، ضروری است.

علی معصومی نیا و سید اکبر سیدی نیا، در مقاله ای به بررسی فقهی قرارداد اختیار معامله پرداخته اند. نتایج مقاله مذکور بر این امر دلالت دارد که اختیار معامله، قراردادی مقدماتی است که زمینه انعقاد عقد اصلی را در مدت زمان مقرر میان طرفین فراهم می سازد. این قرارداد نه تنها می تواند در مراودات مالی روزمره جامعه نقش ایفا کند، بلکه اکنون در بورس های مهم دنیا به عنوان ابزار مالی کارآمد میان فعالان بورس کاربرد بسیار دارد (معصومی نیا و سیدی نیا، ۱۳۸۹). جواد حسین زاده، در مقاله ای، وضعیت حقوقی ابزارهای مشتقه شاخص سهام را مورد بررسی قرار داده است. نتایج مقاله مورد اشاره عبارت است از: بطلان قراردادهای شاخص سهام به دلیل عدم امکان تملک شاخص سهام، مالیت نداشتن آن و فقدان مفهوم واقعی معاوضه در این قراردادهای اشاره کرد. همچنین در این تحقیق راهکاری برای اعتبار قراردادهای واقع بر شاخص سهام نیز ارائه شده است (حسین زاده، ۱۳۹۳). محمد صادقی و حسن بادینی، در مقاله ای

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

مهم‌ترین ایراد و اشکال وارده به قراردادهای مشتقه در بازارهای مالی، غرری بودن این قراردادهاست. معلوم نبودن مورد معامله و جهل نسبت به مشخصات آن از منظر فقهی و حقوقی و پرریسک بودن معامله، مشروعیت معاملات و قراردادهای مشتقه را زیر سؤال می‌برد. زیرا بر اساس فقه و حقوق ایران لازم است مورد معامله شفاف و مشخص بوده یا حداقل وضعیت کلی آن روشن و مشخص باشد.

۵. بحث

۵-۱. اوراق مشتقه

کلمه مشتق در لغت اسم مفعول از باب افتعال و برگرفته از ریشه (طاهری، ۱۳۸۴، ۳، ۱۸۴۷)، «مشتق» یعنی جدا شده و گرفته شده است. می‌توان از این واژه معنای اقتباس کردن (آریان‌پور کاشانی، ۱۳۸۰، ۲، ۲۳۴۲)، ناشی شدن، استنتاج کردن، فراهم شدن و پی‌بردن (آریان‌پور کاشانی، ۱۳۸۶، ۲، ۱۵۹۱). در بازارهای نفتی به معنای گرفتن ماده‌ای از یک فراورده نفتی و مشتقات نفتی آمده است. در اصطلاح مالی اوراق مشتقه به معنای مجموعه ابزارهایی هستند که خصوصیات مشترک دارند این اصطلاح به همه ابزارهایی که در بورس مبادله می‌شود، اطلاق می‌گردد (آیت‌الله‌زاده شیرازی و همکاران، ۱۳۸۳، ۸۴۷). بازار مشتقه در

بیانیه ریسک در قراردادهای آتی بورس کالای ایران را از منظر حقوقی تحلیل کرده‌اند. نتایج مقاله مذکور حاکیست فارغ از ابتدای قرارداد آتی بر ریسک فراوان و متشکل بودن بورس کالا، وجود اوصاف حرفه‌ای در این تشکل خودانتظام، اقتضای تعدیل مسوولیت ناشی از التزام به بیانیه ریسک در قراردادهای آتی دارد و نمی‌توان با تمسک به پذیرش ریسک توسط مشتری، ضوابط حقوقی و حرفه‌ای را نادیده گرفت (صادقی و بادینی، ۱۳۹۶). در مقاله حاضر اما تلاش شده، امکان به کارگیری قراردادهای مشتقه در بازارهای مالی از منظر فقهی و حقوقی بررسی شود. سؤال اساسی که در این خصوص مطرح و بررسی می‌شود این است آیا امکان به کارگیری قراردادهای مشتقه در بازارهای مالی از منظر فقهی و حقوقی وجود دارد؟ به عبارتی چه اشکالات فقهی و حقوقی به قراردادهای مشتقه وارد است و اساساً می‌توان از این قراردادها در بازارهای مالی بهره گرفت؟ در راستای بررسی و پاسخ به سؤال مورد اشاره ابتدا اوراق مشتقه و انواع قراردادهای مشتقه بررسی شده و در ادامه از امکان به کارگیری این قراردادها در بازارهای مالی از منظر فقهی و حقوقی بحث شده است.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی بوده و برای جمع‌آوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

اصطلاح، بازاری است که در آن معامله قراردادهای آتی و اختیار معامله مبتنی بر اوراق بهادار یا کالا دادوستد می‌شود و اوراق مشتقه ابزارهای مالی هستند که قیمت آن‌ها از قیمت سایر دارایی‌ها اخذ شده و در تقسیم‌بندی اولیه این اوراق جزئی از اوراق بهادار هستند. اوراق مشتقه بر اساس یک دارایی اصلی یا زیربنایی ایجاد می‌شوند که به صورت اوراق بهادار فرعی شکل می‌گیرند اما این اوراق فرعی به صورت مستقل قابل معامله در بورس می‌باشند.

۵-۲. قراردادهای مشتقه

اوراق مشتقه زیرمجموعه ابزارهای مالی هستند. در این مبحث به بررسی قرارداد اختیار معامله، قراردادهای آتی و قراردادهای سلف به عنوان برخی از مهم‌ترین قراردادهای مشتقه پرداخته می‌شود.

۵-۲-۱. قرارداد اختیار معامله

اختیار همان گونه که از نامش پیداست در معنای گزینش، برگزیدن انتخاب حق معامله، حق خرید و فروش یا اجاره و همچنین به معنای حق فسخ است (آریان پور کاشانی، ۱۳۸۶، ۲، ۱۵۹۱). معنای لغوی قرارداد اختیار معامله متفاوت از معنای اصطلاحی است. قرارداد اختیار معامله ورقه بهاداری است که دارنده آن حق دارد اوراق بهادار خاصی را ظرف مدت معینی به قیمت توافقی معامله کند این قرارداد دوجانبه میان خریدار و فروشنده منعقد می‌گردد و بر اساس آن به دارنده اختیار حق داده می‌شود (رفیعی و عبدالصمدی، ۱۳۸۵، ۷۹).

طبق تعریف، برگ اختیار معامله ورقه بهاداری است که دارنده آن حق دارد اوراق بهادار خاصی را ظرف مدت معینی به قیمت توافقی معامله کند. برگ اختیار معامله معمولاً در مورد سهام عادی شرکت‌ها اعمال می‌گردد و به دو دسته تقسیم می‌شود: الف) برگ اختیار خرید سهام: دارنده برگ اختیار خرید سهام حق دارد سهام عادی شرکت خاصی را به قیمت توافقی طی مدت معینی خریداری نماید. ب) برگ اختیار فروش سهام: دارنده این برگ حق دارد سهام عادی شرکت خاصی را به قیمت توافقی طی مدت معینی به فروش رساند. به قیمت مندرج در قرارداد، قیمت توافق شده و آخرین تاریخ تعیین شده در قرارداد جهت اعمال حق را تاریخ انقضاء و مبلغی که دارنده جهت تحویل برگ اختیار معامله پرداخت می‌نماید را صرف اختیار معامله می‌گویند. بدیهی است که دارنده در طی مدت زمان باقی مانده تا تاریخ انقضاء می‌تواند حق خود را اعمال نموده و یا در مقابل دریافت وجهی، حق خود را به دیگری واگذار و یا از اعمال حق خود صرف نظر نماید. باید توجه داشت شرکتی که سهامش مورد ادعای طرفین قرارداد هست؛ هیچ گونه حقی یا مسئولیتی برای ایجاد، فسخ یا اجرای قرارداد ندارد؛ زیرا منافع مستقیمی در این معامله ندارد.

تقسیم‌بندی‌های مختلفی از قرارداد اختیار معامله صورت گرفته است. از جهت نحوه اعمال قرارداد اختیار معامله به دو دسته اختیار معامله آمریکایی و اختیار معامله اروپایی قابل تقسیم است. اختیار معامله آمریکایی به این معناست که اختیار در هر زمانی در طی دوره عمر خود (سررسید) قابل اعمال

است و خریدار یا دارنده می‌تواند هر زمان که مناسب تشخیص داد (قبل از سررسید) اختیار معامله را اعمال نماید. بنابراین، قرارداد، اختیار معامله آمریکایی به این لحاظ که از هنگام انعقاد قرارداد تا پایان زمان تعیین شده استمرار دارد، در زمره عقود مستمر قرار می‌گیرد به این معنا که در طول مدت مشخص دارنده حق اختیار، هر زمان که خواست می‌تواند آن را به کار بگیرد (مومن قمی، ۱۳۸۲، ۵۳). اختیار معامله اروپایی تنها در تاریخ سررسید، قابل اعمال است و قبل از تاریخ سررسید، نمی‌توان از اختیار استفاده کرد، لذا خریدار اختیار، در طی دوره اختیار، نمی‌تواند از حق خود استفاده کرده و آن را اعمال نماید. در اینجا عقد از نوع آنی و مضیق است. بنابراین تنها در تاریخ مشخصی می‌توان آن را اعمال کرد. تعیین یکی از دو حالت فوق براساس توافقی است که بین طرفین صورت گرفته است. البته در بورس آمریکا یا اروپا هر دو وجود دارد، هرچند اگر اختیار معاملات رایج از نوع آمریکایی است و اختیار سیزده هفته‌ای اوراق قرضه خزانه‌داری آمریکا و اختیار مربوط به نرخ‌های بهره بلندمدت از نوع اروپایی است و در مقابل، اختیارهای از نوع آمریکایی است.

در خصوص اوصاف و ویژگی‌های قراردادهای اختیار معامله، اگر اختیار معامله نوعی قرارداد قلمداد شود، از نظر اوصافی نظیر لازم بودن، معوض بودن، رضایی بودن و غیره علی‌الاصول، تابع عقود معین گنجانده شده در قانون مدنی خواهد بود، اما اگر اختیار معامله به عنوان عقد غیرمعین و مستقل تلقی شود، مشمول ماده ۱۰ قانون مدنی است، لذا

بررسی آن حائز اهمیت است، بنابراین، قرارداد مذکور به دلیل نوظهور بودن آن، چون از قواعد و احکام ویژه‌ای برخوردار است و همچون سایر عقود در قراردادهایی که در قانون صورت خاصی ندارد، باید اوصاف آن براساس قواعد عمومی قراردادهای تعیین شود، لذا ادامه به اوصاف قرارداد اختیار معامله به‌طور خلاصه پرداخته می‌شود که عبارت است از:

الف) لازم بودن. طبق ماده ۸۵ ق.م و ماده ۱۸۶ ق.م، «عقد لازم آن که هیچ یک از طرفین معامله حق فسخ آن را نداشته باشد، مگر در موارد معین». عقد جایز آن است که هریک از طرفین بتواند، هر وقتی بخواهد آن را فسخ کند. در میان حقوق دانان مشهور است که هنگام شک در لازم یا جایز بودن عقد، اصل بر لازم بودن است مگر جایز بودن آن ثابت شود (صفایی، ۱۳۸۲، ۲، ۲۴). بنابراین براساس این دیدگاه اختیار معامله قراردادی لازم است، زیرا در این قرارداد، فروشنده اختیار باید به تعهد خود بر مبنای خرید یا فروش دارایی پایه در آینده عمل کند خریدار اختیار نیز باید به تعهد خود مبنی بر پرداخت قیمت اختیار، پایبند باشد. چنانکه که بنای عقلا بر آن است که بر قراردادهای خود ملتزم شوند.

ب) معوض بودن: قراردادهای به‌طور معمول دارای دو تعهد یا دو تملیک متقابل است، یعنی هریک از طرفین در برابر مالی که می‌دهد، مال یا تعهد دیگری بدست می‌آورد. این دو گروه از قراردادهای که برحسب طبیعت خود وسیله معامله و معاوضه است، عقود معاوضی می‌نامند (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ۱،

۱۱۳). همچنین باید گفت در عقود معوض که مبتنی بر تعادل عوضین است، خيارات جاری است بجز آنچه قانون استثناء کرده است (م ۴۵۶ ق.م). بنابراین، در قرارداد اختیار معامله، تعادل عوضین در آن جاری است و خيار نیز خاص عقود معوض است، و فقدان آن، باعث بوجود آمدن خيار برای یکی از طرفین است. همچنین در قرار اختیار معامله داد و ستد وجود دارد لذا از اعمال تجاری محسوب می شود. چون معادله و معاوضه در آن صورت می گیرد.

ج) عهدي بودن: عقد تملیکی قراردادی است که به موجب آن مالی از مالکیت شخص خارج و به مالکیت دیگری وارد می گردد. می توان گفت قرارداد اختیار معامله، یک عقد عهدي است. زیرا موضوع آن ایجاد حق مالی، از نوع دینی برای خریدار است؛ زیرا همان طور که گفت شد، موضوع تعهد می تواند انتقال مال، انجام کار یا خودداری از انجام کار باشد (صفایی، ۱۳۸۲، ۱۴-۱۲). در قرارداد اختیار معامله نیز خریدار اختیار در قبال پرداخت قیمت اختیار حق خرید یا فروش مالی را پیدا می کند و چنین حقی که از سوی متعهد یا فروشنده اختیار به خریدار اختیار یا متعهدله داده می شود، چون ارزش اقتصادی دارد، حق مالی محسوب می گردد، چون علیه شخص دیگر قابل اعمال است. زیرا اشیاء حق دینی است.

د) رضایی بودن: عقد رضایی، قراردادی است که به صرف توافق اراده ی طرفین، به شرط اینکه به نحوی از انحاء، بیان و ابراز شده باشد، واقع می شود و تحقق آن به تشریفات خاصی مانند به کار بردن

الفاظ معین یا تنظیم سند نیاز ندارند. در رابطه با قرارداد اختیار معامله باید قائل به تفکیک شد، قراردادهای اختیار معامله ای که در خارج از بورس منعقد می شوند را باید عقد رضایی دانست. زیرا به صرف توافق و تراضی طرفین و رعایت شرایط اساسی صحت معامله قرارداد مذکور منعقد می گردد. اما قراردادهای اختیار معامله ای که در بازار بورس منعقد می شوند را باید عقدی تشریفاتی دانست، زیرا طرفین برای انعقاد آن مکلفاند تمامی تشریفات که بازار بورس هریک از کشورها، مقرر کرده است را رعایت کند و اینکه اگر رعایت نکنند، قرارداد اختیار معامله و یا هر نوع عقد تشریفاتی دیگر صحیح است یا باطل خود نیاز به بحث مفصلی دارد که از حوصله این تحقیق خارج است.

۵-۲-۲. قراردادهای آتی

یکی از قراردادهای مهم ابزار مشتقه قراردادهای آتی است. قراردادهای آتی، قراردادی است که طرفین بر خرید و فروش کالایی در زمانی مشخص شده در آینده ضمن تعیین قیمت، توافق می کنند. این قراردادها پدیده ای نوظهور در عرصه مبادلات بین المللی است، که در بازارهای بورس و روابط تجاری، رواج گسترده ای یافته است. از قراردادهای آتی در اصطلاح، دو معنای زیر قابل استنباط است: ۱) قراردادهای خرید و فروش یک کالای خاص (جهانخانی و پارسائیان، ۱۳۷۵، ۹). ۲) قراردادی برای خرید یا فروش یک دارایی استاندارد (از قبیل کالا، سهام یا پول خارجی) در یک قیمت مشخص در زمانی در آینده (بت شکن،

دارند که قرارداد را اجرا نمایند اما در قرارداد اختیار معامله، تنها یک طرف قرارداد متعهد به انجام آن است و طرف دیگر دارای اختیار جهت اجرای قرارداد می‌باشد.

۵-۲-۳. قراردادهای سلف

سلف به فتح سین و لام، واژه‌ای عربی است که در معانی مختلفی ازجمله: جلو افتاد، پیشی گرفت، سپری شد، پیش افتاد، پیشینیان، آمده است (انیس، ۱۳۸۴، ۹۴۹). همچنین برخی بیان داشته‌اند واژه سلف دو معنی دارد: ۱- قرض، ۲- پیش‌خرید (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ۳، ۲۱۹۰). در فرهنگ لسان العرب واژه سلف در معاملات در دو معنا به کار رفته است: اول به معنای قرض که برای مقرض منفعتی به غیر از پاداش و شکر ندارد و دوم آن است که کسی ثمنی را در برابر کالایی که در وقت معین در آینده تحویل داده خواهد شد، بدهد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ۹، ۱۵۹). شهید اول در تعریف بیع سلف بیان می‌دارد: عقدی است بر کالایی که تا مدتی معلوم بر ذمه باقی می‌ماند در مقابل مالی معلوم که در مجلس عقد قبض می‌شود (شهید اول، ۱۴۱۷، ۳، ۲۴۷). شهید ثانی چنین تعریف می‌کند: عبارت از بیع مال کلی در ذمه به مقدار معلوم است که ثمن آن فی‌المجلس قبض می‌شود و اجل و موعد تحویل مبیع در آن معلوم و معین است (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۴۰۲). از دیدگاه شیخ طوسی نیز: سلم آن است که ثمن حاضر یا در حکم حاضر در مقابل کالایی که تا مدتی معلوم بر ذمه قرار دارد، معاوضه می‌شود (طوسی، ۱۳۸۲، ۳،

۱۳۷۹، ۱؛ مرادی، ۱۳۸۶، ۱۰). این قراردادها از مهم‌ترین مشتقات مالی به حساب می‌آیند و بازاری وسیع را تحت عنوان (بازار آتی) به خود اختصاص داده‌اند (مشهدی‌زاده، ۱۳۹۵، ۵۲ و ۵۳؛ حسینی، ۱۳۸۸، ۹۶). به عبارت دیگر یک قرارداد استاندارد بورسی است که بر روی دارایی پایه منعقدشده و طرفین به خرید یا فروش دارایی پایه در زمان، قیمت و شرایط معین تعهد می‌کنند (سلطانی، ۱۳۹۶، ۲۵۰) و لذا در زمان انعقاد قرارداد، هیچ ثمن و مثنی ردوبدل نمی‌شود و پرداخت و تحویل در زمان تعیین‌شده معروف به تاریخ تحویل یا تاریخ سررسید صورت می‌گیرد و قیمت تحویل با قیمت آتی در موقع انعقاد قرارداد مورد توافق قرار گرفته و تعیین می‌شود (رفیعی، ۱۳۹۳، ۶؛ راعی و سعیدی، ۱۳۸۶، ۲۰۴). بنابراین قرارداد آتی، قراردادی است که طی آن فروشنده متعهد می‌شود در سررسید معینی در آینده، مقدار مشخصی از کالا را به قیمتی معلوم به فروش برساند. در مقابل، خریدار نیز متعهد می‌شود آن کالا را با همان مشخصات خریداری کند.

درخصوص تفاوت قرارداد آتی و اختیار معامله باید گفت که در قراردادهای آتی زیان فی‌نفسه سفته باز در مقایسه با سود احتمالی آن بیشتر می‌باشد اما در قراردادهای اختیار معامله بدون توجه به مقدار کاهش قیمت دارایی پایه، ضرر خریدار ثابت است و این مبلغ برابر با مبلغ پرداختی برای خرید اختیار می‌باشد. تفاوت بعدی بین قرارداد آتی و قرارداد اختیار معامله که بسیار هم بااهمیت است این است که در قرارداد آتی طرفین قرارداد تعهد

۳۹۹). قرارداد سلف در مفهوم بورسی خود شامل دو نوع است. قرارداد سلف عادی و سلف موازی. قسم اخیر، در زمره ابزار مشتقه به شمار می‌رود که ماهیت آن جدا از سلف عادی نیست و تفاوت آن بیشتر در امکان معاملات آن در بازار ثانوی است.

۳-۵. امکان‌سنجی قراردادهای مشتقه در فقه و حقوق

در این مبحث به بررسی امکان‌سنجی قراردادهای مشتقه در بازارهای مالی از منظر فقهی و حقوقی پرداخته می‌شود.

۳-۵-۱. امکان‌سنجی قرارداد مشتقه اختیار معامله در بازارهای مالی

یکی از انتقادهای وارده بر قرارداد اختیار معامله، غرری بودن این قرارداد است. غرر به فتح اول و دوم، واژه‌های عربی است و از حیث لغوی معانی مختلفی دارد که برخی آن را در معنای «خطر» می‌دانند (ابوحیب، ۱۴۰۸، ۲۷۲؛ واسطی زبیدی، ۱۴۱۴، ۷، ۳۰۰). فرهنگ معین نیز آن را به معنای «خطر» و «فریب خوردن» تعریف کرده است (معین، ۱۳۸۳، ۲، ۲۴۰۰). در قاموس قرآن و لسان العرب غرر به معنی خدعه، نیرنگ و تطمیع به باطل آمده است (قرشی، ۱۴۱۲، ۵، ۹۲؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ۵، ۱۱). در خصوص مفهوم اصطلاحی غرر، ابن‌اثیر در النهایه، بیع غرری را معامله‌ای می‌داند که ظاهر آن مشتری را فریب می‌دهد و باطن آن مجهول می‌باشد (جزری ابن‌اثیر، ۱۳۶۷، ۳، ۳۵۵). همچنین برخی از فقها در تعریف آن بدون اختصاص آن به «بیع» تعاریف دیگری را ارائه

۳۲۶). تعاریف حقوق‌دانان از بیع سلف تقریباً یکسان است؛ چنانکه آورده‌اند: «در موردی که ثمن نقد است، تعهد فروشنده در تسلیم مبیع می‌تواند مؤجل باشد و در چنین حالتی هرگاه مبیع کلی و در ذمه باشد، آن را بیع سلف یا سلم می‌نامند» (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ۱، ۷۹). یا اینکه: «بیع سلف یا سلم، آن بیعی است که ثمن آن باید فوراً پرداخت شود و برای تسلیم مبیع، اجلی، معین شود» (شهیدی، ۱۳۹۳، ۶، ۳۸). علت نام‌گذاری سلف هم‌چنین است که چون کالا در آینده تحویل می‌شود و در مقابل پرداخت اکنون است و موجب دینی بر ذمه فروشنده می‌شود، معامله به خود، نام سلف می‌گیرد و به معنای وامی است که هیچ‌گونه سودی ندارد (تاجمیر ریاحی و اشعریون قمی‌زاده، ۱۳۹۴، ۳۷).

شهید اول در تعریف قرارداد سلف بیان می‌دارد: عقدی است بر کالایی که تا مدتی معلوم بر ذمه باقی می‌ماند در مقابل مالی معلوم که در مجلس عقد قبض می‌شود (عاملی، ۱۴۱۷، ۳، ۲۴۷). شهید ثانی عقد سلف را چنین تعریف می‌کند: عبارت از بیع مال کلی در ذمه به مقدار معلوم است که ثمن آن فی‌المجلس قبض می‌شود و اجل و موعد تحویل مبیع در آن معلوم و معین است (عاملی، ۱۴۱۰، ۴۰۲). همچنین یکی دیگر از شارحین قانون مدنی در تعریف بیع سلف گفته‌اند: «آن عبارت از بیعی است که مبیع آن کلی و در ذمه است و برای تسلیم آن موعودی در عقد مقرر شده باشد. در این عقد ثمن می‌تواند عین خارجی و یا کلی باشد ولی در مجلس عقد به بایع تأدیه شود» (امامی، ۱۳۶۶، ۱،

داده‌اند از جمله: صاحب جواهر که در تعریف غرر بیان می‌دارد: «غرری که از آن نهی شده است یعنی خطر ناشی از جهل به مقدار و صفات مبیع، نه مطلق خطر؛ زیرا در بیع کالای غایب ضرورتاً خطر حاصل می‌شود و حال آنکه بیع کالای غایب جایز است و یا در بیع سردرختی و محصولات زراعی مادامی که چیده یا درو نشده باشند غالباً خطر وجود دارد اما بیع آن‌ها صحیح و معتبر است. بنابراین مراد از غرر، مطلق خطر نیست» (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۲، ۳۸۸). بر اساس این تعریف غرر در صورتی وجود دارد که خطر ناشی از جهل باشد و حالتی است که مورد معامله مجهول باشد و طرفین به جنس و مقدار و اوصاف آن آگاهی نداشته باشند. به عبارت دیگر مطلق خطر، غرر نمی‌باشد. در صورت اعتقاد به بطلان هر نوع معامله‌ای که در آن احتمال ضرر وجود دارد موجب می‌شود که کلیه معاملاتی که با تفاوت قیمت بازار انجام می‌شود و معامله سفهی هم نیست باطل تلقی شود؛ حال آنکه گاهی این معاملات جهت اهداف خاص عقلایی با رضایت کامل و توافق طرفین منعقد شوند، چراکه نفس عدم ضرر کافی است و در معاملات، ضوابط و ملاک‌های عرفی اجرا می‌شود مگر شارع خلاف آن را تصریح کرده باشد و اگر مورد معامله برحسب قضاوت و علم عادی در موعد مقرر، موفق‌الوجود گردد و بایع قادر به تهیه و تسلیم آن به مشتری گردد چنین معامله‌ای صحیح است. بنابراین از کلام فقها می‌توان چنین فهمید که فقها معامله غرری را معامله‌ای خطری می‌دانند که این خطر ناشی از

جهل نسبت به وجود مبیع و ثمن، حصول و صفات و مقدار جنس می‌باشد (نراقی، ۱۴۱۷، ۹۴). یکی از ایراداتی که ممکن است درخصوص اختیار معامله مطرح شود، ضرورت معلوم بودن مورد معامله است. درخصوص معلوم بودن مورد معامله باید گفت که به موجب ماده ۲۱۶ ق م مورد معامله باید معلوم باشد یعنی موضوع معامله باید مشخص باشد و مردد میان دو یا چند چیز نباشد حکم این ماده هم شامل مال مورد انتقال است و هم شامل کار مورد تعهد (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ۱۹۴). درواقع طرفین قرارداد باید موضوع مورد تعهد خود را که عمدتاً همان ارکان اصلی عقد نهایی است معلوم و معین سازند پس هرگاه درخصوص وصف جنس ثمن و غیره توافق حاصل نشود قرارداد اختیار معامله منعقد نمی‌شود (شهیدی، ۱۳۸۲، ۳۱۴). در قرارداد اختیار معامله عوضین قرارداد کاملاً معلوم و معین است یعنی اعطاء حق خرید یا فروش در برابر قیمت اختیار قرار گرفته است و اعتبار این انتقال از مقوله اغراض اعتباری می‌باشد و متقوم بر اعتبار عقلاء است و شرع مقدس هم این عوضین را فاقد شرایط صحت نمی‌داند و شائبه غرر بر اساس مبنای ارائه در فقه که به آن اشاره نمودیم یعنی مفهوم خطر، منتفی است زیرا طرفین قرارداد اختیار معامله با انعقاد قرارداد کاملاً می‌دانند در قبال قیمت اختیار مالک چه چیزی گشته‌اند و مجهول بودن اعمال قطعی اختیار در زمان تعیین شده میان متعاملین جهت معامله و بنای تراضی آنان است و این اختیار اعمال یا انصراف از آن اختیار کسب شده از آثار مالکیت حق به موجب

قرارداد است و این همان منشاء قطعی قرارداد است و در اینجا است که باید بگوییم انفکاک انشاء از منشأ محال است. اینکه گفته شود فقدان علم به نتیجه به دلیل وجود نوسانات بازارهای معاملاتی و اقتصادی ایجاد خطر در معامله را در پی دارد صحیح نمی باشد زیرا این خطر نیست که عقلاً آن را می پذیرند و احتمال سود و زیان به موجب انعقاد قرارداد اساس مغایره و تجارت است (حسین زاده، ۱۳۹۱، ۱۵۱)، بلکه عرف جامعه نیز انعقاد چنین قراردادی را نوعی تأمین در مقابل نوسانات قیمت و کار عقلایی می داند. پس قرارداد اختیار معامله دارای عوضین معلوم می باشد و خطرهایی که در باب این قرارداد مطرح شد متصف به ماهیت قرارداد نمی باشد و همانگونه که بیان شده است فروشنده در برابر اعطاء اختیار خرید یا فروش عوض آن را (قیمت اختیار) را دریافت می نماید و آنچه که مجهول است انعقاد عقد نهایی و مالا سودآوری آن در آینده است به عوضین قرارداد (بهاروندی، ۱۳۸۸، ۸۷) و این امور خطری نیست که در فقه امامیه مبنای تعریف غرر قرار گرفته باشد و غرر خطر ناشی از جهل به مقدار و صفات بیع می باشد که مطلق خطر (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۲، ۳۷۸) بنابراین معاملاتی که در راستای پوشش ریسک صورت می پذیرند وجود عرفی برای نفی غرر کافی است اگرچه علم به تمام جهات تعلق نگرفته باشد زیرا این قراردادها پوشش ریسک مبتنی بر اهداف اقتصادی می باشند.

همچنین در فقه امامیه، از یک سو در مبحث وجود احتمال در قراردادها به حذف کلی احتمالات

نپرداخته اند که بر مبنای آن، صرف وجود احتمال در قرارداد موجب بطلان قرارداد باشد مانند جعاله، شرکت، فروش میوه بر سر درخت که ممکن است در برخی موارد به دلیل وقوع برخی شرایط هرگز به تسلیم نیز منتهی نگردد (سبزواری، ۱۴۱۳، ۱۹، ۲۱۲؛ بحرانی، ۱۴۲۳، ۱۸، ۴۶۰) اما به دلیل وجود اقتضاء تعیین به انعقاد معاملات می پردازند و از سوی دیگر نه دامنهی این احتمالات را به نحوی گسترده اند که موجب عدول از نهی شارع شود و عقد را به قمار و گروه بندی نزدیک نمایند و غرری منهی شارع است که متضمن ضرر از ناحیه جهل و خطر باشد و صرف وجود برخی احتمالات در قرارداد موجب غرری شدن معامله نمی گردد. گاهی عقد احتمالی به عقد تقدیری نیز تعریف شده است که حصول اثر آن بر تقدیر خاصی می باشد مثل مزارعه، جعاله و... که در جمیع این عقود اگرچه منشاء فعلاً منجز است لیکن اثر آن بر تقدیر حصول مبتنی است. بنابراین عقد احتمالی عقد پست اعم از معوض یا غیرمعوض که براساس آن تراضی مینایی طرفین انعقاد قرارداد به نحو قطعی و احاله آثار و آن بر امری محتمل الوقوع در زمان آینده می باشد بر همین منطبق در قرارداد اختیار معامله نیز با انشاء عقد عوضین قرارداد (حق خرید با فروش در قبال قیمت اختیار) در زمان انعقاد قرارداد بین طرفین تعیین شده است و طرفین عوضین قابل مبادله را می شناسند، اما اینکه در زمان سررسید احتمال وجود سود یا زیان با تغییر با افزایش قیمت یا اینکه آیا این حق در چارچوب منافع صاحب اختیار اعمال می گردد یا خیر عقد را

از حالت صحت خارج نمی‌کند، همان‌گونه که برخی اشاره داشته‌اند اثر قرارداد در زمان انعقاد در عالم اعتبار منجزاً ایجاد گردیده اما اثر آن در عالم مادی به دلیل مستقبل الحصول بودن منوط به امر دیگری قرار گرفته است.

در کل در قرارداد اختیار معامله در باب معلوم بودن مورد معامله باید گفت، در چنین قراردادهایی مورد معامله از جنس اختیار و از مقوله حق می‌باشد که مدت‌زمان استفاده از این اختیار باید در قرارداد مشخص شود، والا معامله باطل است (حسن‌نژاد، ۱۳۸۳، ۲۳). قیمت اختیار نیز باید در قرارداد معین شود. قیمت اختیار بر اساس نوع سهام یا کالای پایه قرارداد، میان ریسک موجود در این کالاها و مدت اختیار مشخص می‌گردد. بنابراین، شبهه وجود غرر منتفی است.

مورد دیگری از مصادیق غرر، که در قرارداد اختیار معامله بیان شده است؛ عدم امکان تسلیم و تسلیم مورد معامله است. البته قانون مدنی این شرط را برای مورد معامله در قواعد عمومی قراردادها بیان نکرده است ولی در شرایط مبیع ماده ۳۴۸ آن قانون مقرر می‌دارد: «بیع چیزی که خرید و فروش آن قانوناً ممنوع است و یا چیزی که مالیت و یا منفعت عقلایی ندارد یا چیزی که بایع قدرت بر تسلیم آن ندارد باطل است، مگر اینکه مشتری خود قادر بر تسلیم باشد». چنانکه در دیدگاه حقوقدان‌ها ذکر شده، این ماده به عنوان یک اصل ضامن همه عقود تلقی می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ۱، ۵۲؛ شهیدی، ۱۳۸۲، ۳۰۸). در این خصوص باید گفت تسلیم و تسلیم یک مفهوم عرفی است و

همین‌که عرف آن را محقق بدانند، کافی است و با توجه به این‌که مورد معامله از جنس حق و اختیار است و قبض و اقباض متناسب با خودش را می‌طلبد و در موضوع مورد بحث ما با انعقاد عقد و تسلیم اوراق اختیار معامله، تسلیم محقق شده است. یکی از حقوق‌دانان در این زمینه چنین می‌گوید: «اگر منظور از غرر خطر است، قدر متقین خطری است که عقلاً بر آن اقدام نمی‌کنند و عرف جامعه آن را عقلایی نمی‌دانند» (گرچی، ۱۳۵۵، ۱۴۶). به علاوه غرر و جهل در معامله یک مفهوم عرفی است و داوری در مورد تحقق یا عدم تحقق غرر به عرف واگذار شده است. در فقه نیز فقها قائل بر این هستند که شرع تشخیص و تعیین غرر را بر عهده عرف گذاشته و داوری عرف در این زمینه معتبر دانسته شده است (مراغی، ۱۴۱۷، ۲، ۳۱۳؛ حسینی عاملی، ۱۴۰۷، ۸، ۴۹۳). بنابراین، در هر مورد تشخیص بر عهده عرف می‌باشد. به عنوان مثال، در بحث شرط قدرت بر تسلیم امکان دسترسی به مورد معامله، عادتاً باید وجود داشته باشد و یا در مورد شرط معلوم بودن چون غرر و خطر، اموری عرفی می‌باشند؛ لذا بر حسب موارد، متفاوت است.

۵-۳-۲. امکان‌سنجی قرارداد مشتقه

قراردادهای آتی در بازارهای مالی

قراردادهای آتی به علت نوظهور بودن و نداشتن عنوان و چهارچوب در فقه از جنبه‌های مختلف مورد مناقشه و نقد قرار گرفته است. معامله دین به دین، عدم تحقق تسلیم و تسلیم و غرری بودن از

جمله اشکالاتی است که بر این قراردادها وارد می‌کنند. شیخ طوسی در النهایه در احکام بیع سلف و بیع دیون، بیع دین به دین را جایز ولی مکروه دانسته است؛ ابن ادریس در السرائر پس از تقسیم دین به حال و مؤجل می‌فرماید: «اگر دین مؤجل باشد، فروش آن به اجماع جایز نیست، ولی اگر حال باشد فروش آن در مقابل دین دیگری جایز است» (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ۵۵). محقق حلی در کتاب شرایع السلام در باب دین می‌فرماید: «بیع دین بعد از حلول، خواه بر مدیون و غیر مدیون جایز است، و فرقی نمی‌کند که ثمن آن نقد باشد، و یا دیگری که حال است. ولی اگر ثمن مؤجل و مدت‌دار باشد برخی گفته‌اند باطل است» (محقق حلی، ۱۴۱۳، ۳۲۳). علامه حلی آن را جایز نمی‌داند، لیکن فروش آن را به غیر دین، خواه بر مدیون و غیر آن، و نیز به صورت نقدی جایز می‌دانند، اما فروش دین به نسیه را مکروه دانسته‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۴، ۱۲۷). شهید اول در الدروس می‌فرماید: اگر دین مؤجل باشد بیع آن به طور کلی جایز نیست (شهید اول، ۱۴۰۴، ۳۱۳). بنابراین مهم‌ترین اشکال وارده بر قراردادهای آتی، احتمال این قراردادها بر دین به دین است. با این استدلال که در قراردادهای آتی ثمن و مثن هر دو مؤجل می‌باشد، از مصادیق معاملات دین به دین است.

علیرغم شهرت بطلان بیع کالی به کالی، حقوق موضوعه ایران در این باره ساکت است. م. ۳۴۱ ق.م مؤجل بودن ثمن یا مثن را می‌پذیرد. م. ۱۰ ق.م تأکید بر اصل آزادی قراردادها دارد. از سوی دیگر اصل در عقود و قراردادها این است که قبض تأثیری

در صحت عقد ندارد، مگر مواردی که بر آن تصریح شده است. با توجه به ملاک حکم عقد مزبور، حکم بطلان بیع کالی به کالی بیشتر ناظر به مصلحت و حفظ نظام اقتصادی بازار داشته است. بنابراین قراردادهای آتی از ضرورت‌های روابط تجاری بوده و نه تنها با اخلاق حسنه و نظم عمومی در تعارض نیست که بطلان آن سبب خلاء در روابط تجاری فرامرزی با کشورهای دیگر می‌شود.

در بیع کالی به کالی هیچ شرطی ضمن عقد ذکر نمی‌شود و لازم نیست، جنس، وصف، مقدار و زمان تسلیم مبیع معلوم باشد و به دلیل عدم وجود مشخصات و ویژگی‌های این بیع می‌توان آن را در زمره بیع غرری نیز برشمرد. لکن مطابق مصوبه ابزار مالی قراردادهای آتی و مقررات مربوط به معاملات قراردادی مصوب ۸۶/۱۱/۱ شورای عالی بورس: «قراردادهای معاملات آتی عبارت است از اینکه «فروشنده براساس قرارداد آتی متعهد می‌شود در سررسید معین مقدار معینی از کالای مشخص را به قیمتی که الان تعیین می‌کنند بفروشد و در مقابل طرف دیگر قرارداد متعهد می‌شود آن کالا را با آن مشخصات خریداری کند و برای جلوگیری از امتناع طرفین از انجام قرارداد، طرفین به صورت شرط ضمن عقد متعهد می‌شوند مبلغی را به عنوان وجه تضمین نزد کارگزار بورس یا اتاق پایاپای بگذارند و متعهد می‌شوند متناسب با تغییرات قیمت آتی وجه تضمین را تعدیل کنند و کارگزار بورس یا اتاق پایاپای از طرف آنان وکالت دارد متناسب با تغییرات، بخشی از وجه تضمین هر یک از طرفین را به عنوان اباحه تصرف در اختیار دیگری

قرار دهد و او حق استفاده از آن را خواهد داشت تا در سررسید با هم تسویه کنند. هر یک از متعهد فروش یا متعهد خرید می‌توانند در مقابل مبلغی معین تعهد خود را به شخص ثالث واگذار کنند که وی جایگزین او در انجام تعهد خواهد بود». درحالی که در قرارداد کالی به کالی ضمانت اجرایی جهت انجام قرارداد وجود نداشته و ویژگی‌های مثنی و هم‌چنین زمان تحویل آن نیز تقریبی است؛ لذا به‌طور کلی ویژگی‌ها و مکانیسم معاملات در این دو متفاوت است به تعبیری دیگر نمی‌توان قرارداد معاملات آتی را بیع کالی به کالی دانست. درخصوص اباحه تصرف در قراردادهای آتی باید گفت که مطابق اباحه تصرف، استیلا بر مال دیگری و تصرف در آن بدون اذن مالک، ممنوع است (عاملی (شهیدثانی)، ۱۴۱۰، ۵۴۳). بنابراین زمانی که مالک با دادن اذن، رضایت خود را برای تصرف مال به دیگری اعلام می‌کند، در واقع موانع قانونی تصرف مال غیرمرتفع گردیده و مأذون مباح در تصرف مال می‌گردد. بنابراین ملاک جواز تصرف اذن مالک است. البته واضح است که اذن مالک، اعلام رضایت او است و اذن طریقی برای ابراز و اثبات رضایت است که ممکن است به صورت قولی یا فعلی اعلام گردد. اباحه تصرف به این معناست که هر دو طرف معامله، دخل و تصرف اتقاق پایاپای را در وجه تضمینی که در اختیار بورس قرار داده‌اند، جایز می‌دانند و این درخصوص قراردادهای آتی مصداق دارد.

اشکال دیگری که بر قراردادهای آتی می‌توان وارد ساخت، اشتغال آن بر بیع غرری است. اشاره شد

که غرری بودن یعنی اینکه، یکی از جهات معامله برای یکی از طرفین مجهول بوده و وی از همین جهت متحمل ضرر گردد. یکی از شرایط اساسی صحت معاملات در فقه و حقوق ایران موجود بودن کالای مورد معامله در زمان انعقاد قرارداد است. وقتی کسی قراردادهای آتی کالایی که در آینده موجود خواهد شد فروخته شود. معلوم نیست که اصلاً بایع قادر به تولید کالا باشد یا خیر یعنی کالا در هنگام انعقاد قرارداد وجود خارجی ندارد و به‌لحاظ کیفیت نیز مبهم است یا اینکه اگر کالای مورد معامله را تولید کند آیا مشتری خواهد داشت؟ و یا معلوم نیست که بتوان به قیمت مطلوب تحویل بدهد در معنای حقوقی آن این موضوع که آیا تولیدکننده قدرت بر تسلیم کالا را دارد نیز مبهم است. این امور موجب غرری شدن معامله می‌گردد. از سویی دیگر با توجه به گستردگی سطح مبادلات و بازارگرمی مبادله‌گران در بازار بورس امکان جهل هم در ناحیه ثمن و مثنی وجود دارد.

در پاسخ این اشکال باید گفت که قراردادهای آتی و سایر معاملات در سطح بازار بورس معاملاتی با استانداردهای مشخص هستند و تمام شرایط و توافقات طرفین در مورد کمیت و کیفیت معاملات، کاملاً معین و مضبوط است. در راستای رفع جهل و غرر از معاملات آتی، ماده ۳ دستورالعمل اجرایی معاملات قراردادهای آتی در شرکت بورس کالای ایران اشعار می‌دارد: «قرارداد آتی قابل معامله در بورس بر اساس قرارداد آتی پذیرش شده تعیین می‌شود». مشخصات قرارداد آتی به پیشنهاد بورس به تصویب هیئت پذیرش خواهد رسید و ماده ۴

همین دستورالعمل تحت عنوان مشخصات قرارداد آتی ۲۱ مورد الزامی را جهت معلوم شدن کامل مورد معامله از قبیل دارایی پایه، اندازه قرارداد، استاندارد تحویل، حد نوسان قیمت و غیره احصا می‌نماید. شفافیت اطلاعاتی عاملی است که معاملات صحیح و اسلامی را از معاملات غرری متمایز می‌سازد اگر طی عملیات انعقاد قراردادهای آتی در بازار، یک طرف را متضرر و طرف دیگری را سود برد و این عمل از سوی جهل طرف مقابل و با سوءنیت صورت گیرد، مشروع نیست.

۵-۳-۳. امکان سنجی قرارداد مشتقه قراردادهای سلف در بازارهای مالی

ایرادی که در این خصوص ممکن است مطرح گردد چنین است که در قراردادهای سلف واقع شده در بورس، جهل به مورد معامله وجود دارد و از مصادیق معاملات غرری و باطل است. لیکن در پاسخ به این ایراد باید گفت، طبق نظر فقها (علامه حلی، ۱۴۱۳، ۵، ۲۴۵؛ نراقی، ۱۴۱۷، ۹۰)، یکی از مصادیق غرر این است که مقدار و کیفیت عوضین معلوم نباشد. البته مراد معلومیت عرفی است (معصومی‌نیا، ۱۳۸۹، ۲۴۲) و روشن است که این قرارداد از حیث معلوم بودن مورد معامله اشکالی نداشته و تمام ویژگی‌های عوضین در قراردادها ثبت و هنگام انعقاد قرارداد، قیمت مطابق توافق طرفین مشخص می‌شود (ساعی، ۱۳۹۴، ۱۷). بنابراین جهل در این معاملات منتفی است. به عبارت دیگر برخی معتقدند غرر زمانی وجود دارد که جهل همراه با ضرر وجود داشته باشد (نراقی،

۱۴۱۷، ۹۰). حال آنکه بر اساس مقررات بورسی، زمانی یک قرارداد سلف قابلیت پذیرش در بورس را دارد که تمام خصوصیات و شرایط آنچه که مورد معامله است ذکر گردیده و کاملاً مشخص باشد. درخصوص معاملات سلف موازی در بورس‌های مختلف توصیفات دقیقی برای رفع جهل از سوی قانون‌گذار ذکر گردیده و به عنوان مثال ماده ۴ دستورالعمل اجرایی معاملات سلف استاندارد در بورس کالای ایران نیز جهت روشن شدن مورد معامله قید ۲۲ مورد را الزامی می‌داند. می‌توان دریافت که قانون‌گذار به رفع هرگونه ابهام و اجمال و جهلی از قراردادهای آتی و سلف نظر داشته و تمام جزئیات را به عنوان موارد ضروری جهت معلوم شدن مورد معامله احصاء نموده است؛ از همین رو می‌توان گفت هیچ‌گونه جهلی که منجر به غرر در این معاملات گردد وجود ندارد.

درخصوص ریسک و خطر در معامله سلف نیز باید گفت که به طور ذاتی در هر معامله‌ای حتی معاملات نقدی نیز، ریسک وجود دارد و حتی برخلاف قراردادهای سلف، در قراردادهای آتی با در نظر گرفتن چنین ریسکی و برای رفع هرگونه منازعه احتمالی، امضای «بیانیه ریسک» که در بند ۱۱ ماده ۱ و تبصره ۲ ماده ۸ دستورالعمل آتی کالا به عنوان یکی از لوازم ورود به بازار معاملاتی بورس آتی مقرر شده است و مشتریان قبل از انجام معامله ملزم به امضای آن هستند، حاکی از همین موضوع و مخاطرات پیش روی سرمایه‌گذاران است. از همین رو می‌توان گفت خطر ورود ضرر موجود در معاملات آتی و سلف، خطری متعارف است که

تشخیص این متعارف بودن هم امری موضوعی و عرفی است و نه حکمی و استفاده فراوان فعالان بازار بورس از این ابزار حاکی از معقول بودن این خطر است. با این توضیح که قرارداد آتی اصولاً برای پوشش ریسک تغییرات قیمت، ایجاد شده و فلسفه اصلی آن همین موضوع بوده است؛ فلذا نه تنها غرری نیست، که در پی رفع خطر است.

یکی دیگر از مواردی که ممکن است به عنوان منشاء غرر در هر یک از قراردادهای آتی و سلف مطرح شود، عدم اطمینان نسبت به مقدورالتسلیم بودن مورد معامله در هر یک از آن‌ها می‌باشد؛ به این صورت که ممکن است در زمان سررسید طرفین به تعهد خود عمل نکرده و از تسلیم مورد معامله سر باز زنند. در این خصوص قراردادهای سلف و آتی از احکام مشترکی برخوردار هستند و دستورالعمل‌های بورسی مرتبط با این قراردادها در بخش تسویه مقرر داشته‌اند که بورس‌ها اقدام به تسویه نقدی و اخذ جریمه از شخصی که به تعهد خود عمل نکرده است اقدام می‌کنند.

همچنین درخصوص این ایراد که حصول مورد تعهد قطعی نیست و درواقع قدرت بر تسلیم مورد تردید است، آیا می‌توان به دلیل احتمالی بودن بیع و ایجاد غرر آن را باطل دانست؟ این سؤال را می‌توان به دو شکل پاسخ داد: الف) هرچند یکی از اساتید در پاسخ به این سؤال بیان می‌دارند: «هرگاه قدرت بر تسلیم مال مورد معامله، مورد تردید یکی از طرفین واقع شود، معامله بر آن احتمالی و تسلیم عوض در مقابلش مانند گروه‌بندی، غرری می‌باشد و منطق حقوقی این‌گونه معاملات را صحیح

نشناخته است» (امامی، ۱۳۷۰، ۱، ۲۵۹). لیکن در پاسخ به این ایراد که به نظر اینجانب پاسخی صحیح‌تر و با توجه به مقتضیات عرفی و روابط تجاری امروزه مستندتر است، بیان شده است: «ممکن است استدلال شود که از روح مواد ۱۹۰ و ۲۱۶ قانون مدنی (لزوم معلوم و معین بودن مبیع) چنین برمی‌آید که طرفین قرارداد باید به چگونگی تعهدات خود اطلاع کامل داشته باشند و در هر جا که ابهامی در میان باشد، عقد غرری و باطل است ولی پذیرفتن این قاعده دشوار به نظر می‌رسد؛ زیرا در بسیاری از موارد که آنان به سرنوشت تعهدات خود و میزان آن اطمینان ندارند، عقد نافذ شناخته شده است مانند معاملات معلق، بیع مالی که طرفین ما نمی‌دانند و به شرط مقدار معینی معامله می‌کنند و معامله‌ای که نسبت به تمکن خریدار در پرداختن ثمن تردید است و مانند این‌ها. بنابراین آنچه به طور مسلم مانع نفوذ قرارداد است، ناتوانی واقعی در تسلیم مبیع است و وجود خطر در امکان تسلیم همیشه سبب بطلان بیع نیست؛ زیرا در مواردی که به حکم عادت دسترسی به مبیع امکان دارد و درجه اجرای عقد به اندازه‌ای است که از مرحله تردید می‌گذرد (مانند فروش پرنده بومی که در حال پرواز است یا میوه‌ای که بر درخت است) بیع درست است. ولی، در فرضی که احتمال دسترسی اندک است و دو طرف ظن قوی بر امکان تسلیم ندارند (مانند ماهی در دریا و پرنده‌ای در هوا) بیع باطل است (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ۱۴۳).

ب) همچنین باید گفت در منابع و متون فقهی، روشن و مشخص است که تشخیص و تحقق

هرکدام از مواردی که موجب غرر می شود، بر عهده عرف نهاده شده است و درخصوص شرط قدرت بر تسلیم، ملاً، امکان دسترسی به مورد معامله برحسب عادت است. همچنان که درخصوص علم به اصل وجود معامله نیز اگر برحسب عرف و عادت مردم، به وجود چیزی اطمینان باشد، این شرط، محقق می شود (رفیعی، ۱۳۷۸، ۵۷).

بر این اساس برای تشخیص امکان تسلیم، ضابطه و معیار عرفی مدنظر است و عرف هم در داوری خود با توجه به اوضاع و احوال قابلیت تسلیم مورد معامله را با توجه به وضع خود مال و توانایی متعهد در نظر می گیرد و لذا، درخصوص قراردادهای آتی و سلف که در بورس صورت می گیرد با توجه به اینکه ضمانت اجراها و ضوابطی که از سوی بورس ها در نظر گرفته شده است و همچنین فعالان در این بازار به خصوص عرضه کننده ها اشخاصی هستند که پیش از ورود اصولاً اعتبار آن ها سنجیده شده است، این دیدگاه عرفی در زمان انعقاد معامله نسبت به قدرت بر تسلیم بین طرفین وجود دارد و اموالی هم که موضوع معامله در این قراردادها هستند، جزء اموالی هستند که وضع و ذات آن ها قابلیت تسلیم را دارند مضافاً اینکه طرفین معامله هم در زمان معامله، علم بر قدرت تسلیم داشته و درنتیجه از این حیث تفاوتی در بین قراردادهای آتی و سلف وجود ندارد و لذا غرری وجود ندارد.

۶. نتیجه

قراردادهای مشتقه، نهادهای نو در روابط اقتصادی و تجاری محسوب می شوند. این قرارداد به منظور

دوری جستن تولیدکننده و مصرف کننده و به طور کلی سرمایه گذار از ریسک و خطر ناشی از نوسان قیمت کالا و جلوگیری از هزینه های اضافی در راستای مدیریت مالی و تأمین اطمینان برای سرمایه گذار از وضعیت آینده سرمایه گذاری خود طراحی و ایجاد گردیده اند. ابداع ابزارهای نوین مالی تحت عنوان مشتقات از یک سو گسترش بازار سرمایه و از سوی دیگر شرایط مدیریت ریسک به منظور کاهش نگرانی تولیدکنندگان را فراهم می کند. عمدتاً ایرادی که به قراردادهای مشتقه وارد می شود غرری بودن معامله است. نتایج نشان داد غرری که عقلاً نسبت به آن تسامح دارند موجب بطلان عقد نمی شود. همچنین غرری مؤثر در بطلان معامله است که مربوط به مورد معامله باشد و درواقع غرری که مرتبط با لوازم و توابع آن باشند با توجه به اینکه مورد قصد طرفین نیست، خدشه ای به صحت معامله وارد نمی کند. بنابراین با توجه به سازوکارهای حاکم بر بورس، معاملاتی که در این بازار مورد دادوستد واقع می شود، شفافیت بیشتری نسبت به معاملات غرری داشته و در واقع یکی از مزایای معاملات بورسی همین شفافیت است. ضمن اینکه قراردادهای آتی و سلف که در محیط بورس واقع می شوند زمانی قابلیت پذیرش در این بازار را دارند که تمام خصوصیات و کیفیات و شرایط مورد معامله ذکر شده و طرفین آن نیز کاملاً مشخص هستند و درواقع هیچ گونه جهل و خطر تنازع و اختلافی که موجب تحقق غرر معاملات گردد، نسبت به این موارد وجود ندارد و اگر گاهی چنین مواردی نیز به چشم بخورد، ناشی

از ذات هر نوع معامله‌ای می‌باشد که مبتنی بر سود و زیان است و اختصاص به محیط بورس ندارد. همچنین ممیزات دیگری نظیر اعمال محدودیت سقف معاملات برای هر معامله‌گر، اعمال نظارت‌های فراوان در بورس و کنترلی که بر نوسانات شدید قیمت از طریق اعمال محدودیت در تغییرات روزانه قیمت به تناسب در هر یک از بازارهای سلف و آتی صورت می‌گیرد، راهکارهایی است که احتمال هرگونه غرری در این معاملات را رد می‌کند.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به‌صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش، تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

- آریان پور کاشانی، منوچهر، فرهنگ لغت انگلیسی به فارسی، جلد دوم، چاپ هشتم، تهران، انتشارات جهان رایانه، ۱۳۸۰.
- آیت الله زاده شیرازی، مرتضی و همکاران، مجمع لغت فرهنگ مصطلحات به چهار زبان، چاپ پانزدهم، تهران، دفتر ثمر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۳.
- ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، جلد نهم و پنجم، بیروت - لبنان، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، دار صادر، ۱۴۱۴.
- ابوحبیب، سعدی، القاموس الفقہی لغہ و اصطلاحاً، دمشق - سوریہ، دار الفکر، ۱۴۰۸.
- امامی، حسن، حقوقی مدنی، جلد اول، چاپ ششم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۶.
- انیس، ابراهیم، فرهنگ معجم الوسیط، چاپ اول، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۴.
- بت شکن، محمد هاشم، «شناخت قراردادهای تحویل آتی و اختیار معامله»، پایان نامه دکتری رشته مدیریت مالی دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.
- بحرانی، شیخ یوسف حدائق الناظره فی احکام العتره الاطاهره، جلد هجدهم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، ۱۴۲۳.
- بهاروندی، احمد، «بیان واثبات تفاوت ماهوی معاملات مبتنی بر غرر قراردادهای پوشش ریسک از منظر فقه امامیه»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره هجدهم، ۱۳۸۸.
- تاجمیر ریاحی، حامد، اشعریون قمی زاده، فرزانه، سلف و اوراق سلف بررسی فقہی اقتصادی، چاپ اول، تهران، انتشارات بورس، ۱۳۹۴.
- جزری ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، جلد سوم، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق تعهدات، جلد اول، چاپ سوم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۸.
- جهانخانی، علی، پارسائیان، علی، بورس اوراق بهادار، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- حسن نژاد، محمد، «امکان سنجی به کارگیری اختیار معامله در بورس اوراق بهادار تهران»، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت مالی دانشگاه مازندران، ۱۳۸۳.
- حسین زاده، جواد، «وضعیت حقوقی ابزارهای مشتقه شاخص سهام»، مجله پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره چهلیم، ۱۳۹۳.
- حسین زاده، جواد، بررسی فقہی و حقوقی قرارداد اختیار معامله، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱.
- حسینی، سید محمد، «قرارداد آتی و چالش های فقہی آن»، دوفصلنامه علمی - تخصصی مطالعات اقتصاد اسلامی، شماره اول، ۱۳۸۸.
- حسینی عاملی، سید محمد جواد، مفتاح الکرامه، جلد هشتم، قم، مؤسسه آل بیت، ۱۴۰۷.

- حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه، جلد پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳.
- حلی، ابن ادريس، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰.
- راعی، رضا، سعیدی، علی، مبانی مهندسی مالی و مدیریت ریسک، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۶.
- رفیعی، داریوش، مروری بر مشتقات و بازارهای آتی، جلد اول، تهران، انتشارات ترمه، ۱۳۹۳.
- رفیعی، محمدتقی، مطالعه تطبیقی غرر در معامله در حقوق اسلام و ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی، چاپ اول، قم، نشر بوستان کتاب، ۱۳۷۸.
- رفیعی، محمدتقی، عبدالصمدی، راضیه، «بررسی حقوقی اوراق اختیار معامله در بازار بورس اوراق بهادار»، نشریه اندیشه‌های حقوقی، شماره دهم، ۱۳۸۵.
- ساعی، سید محمدهادی، تقریرات مدنی کارشناسی ارشد، قزوین، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۴.
- سبزواری، محمدباقر، احکام فی بیان الحلال و الحرام، جلد نوزدهم، قم، ۱۴۱۳.
- سلطانی، محمد، حقوق بازار سرمایه، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۶.
- شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادهای و تعهدات، چاپ سوم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۲.
- شهیدی، مهدی، حقوق مدنی (عقود معین)، جلد ششم، چاپ هفدهم، تهران، مجد، ۱۳۹۳.
- صادقی، محمد، بادینی، حسن، «تحلیل حقوقی بیانیه ریسک در قراردادهای آتی بورس کالای ایران»، مجله پژوهشنامه بازرگانی، شماره هشتاد و پنجم، ۱۳۹۶.
- صفایی، سیدحسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادهای، جلد دوم، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۲.
- طاهری محمدعلی، دانشنامه حقوق خصوصی، جلد سوم، چاپ سوم، تهران، انتشارات محراب فکر، ۱۳۸۴.
- طوسی (شیخ طوسی)، ابو جعفر محمد بن حسن، المعجم الفقہی لکتاب الشیخ طوسی، جلد سوم، قم، موسسه دایره المعارف الفقه اسلامی، ۱۳۸۲.
- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة، جلد سوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷.
- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، القواعد و الفوائد، قم، کتابفروشی مفید، ۱۴۰۴.

- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلانتر)، قم، انتشارات کتابفروشی داوری، ۱۴۱۰.
- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، جلد پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۴.
- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، جلد پنجم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲.
- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، شرکت بهمن برنا، ۱۳۷۶.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (معاملات معوض - عقود تملیکی)، چاپ ششم، تهران، شرکت انتشار با همکاری شرکت بهمن برنا- انتشارات قدس، ۱۳۷۶.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، ۱۳۷۴.
- گرجی، ابوالقاسم، تعهدات ناشی از قرارداد حقوق اسلامی، چاپ اول، تهران، نشر موسسه حقوق تطبیقی، ۱۳۵۵.
- محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۳.
- مرادی، مهدی، «وراق اختیار معامله، قراردادهای تحویل آتی و قراردادهای اسلامی مشابه با آنها»، نشریه دانش و توسعه، شماره بیست و یکم، ۱۳۸۶.
- مراغی، سید میر عبدالفتاح بن علی حسینی، العناوین الفقهیه، جلد دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷.
- مشهدی زاده، علیرضا، «بررسی حقوقی - فقهی قراردادهای آتی در بورس انرژی»، پژوهشنامه مبانی فقهی حقوق اسلامی، شماره هفدهم، ۱۳۹۵.
- مشهدی زاده، علیرضا، بررسی حقوقی قراردادهای آتی و اختیار در بازارهای نفت خام، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۵.
- مظفر، محمد رضا، الحاشیة علی البیع و الخیارات، برگردان، عباس زارعت و حمید مسجد سرائی، بی- تا.
- معصومی نیا، غلامرضا، ابزارهای مشتقه، بررسی فقهی و اقتصادی، چاپ دوم، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹.
- معصومی نیا، غلامعلی، «بررسی فقهی قرارداد اختیار معامله»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد، شماره چهل و نهم، ۱۳۸۹.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، جلد دوم، چاپ بیست و یکم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۳.
- مومن قمی، محمد، «عقد اختیار معامله»، مجله فقه اهل بیت، شماره سی و سوم، ۱۳۸۲.
- نجفی (صاحب الجواهر)، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، جلد بیست و دوم، بیروت - لبنان، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴.

- نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، عوائد الأيام
فی بیان قواعد الأحكام و مهمات مسائل الحلال و
الحرام، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه
علمیه قم، ۱۴۱۷.
- واسطی زبیدی حنفی، محب الدین، تاج العروس
من جواهر القاموس، جلد هفتم، بیروت - لبنان،
دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۴۱۴.